

اشاره

با توجه به رشد فناوری‌های متنوع اطلاع‌رسانی و فراگیر شدن دامنه‌ی دانش و آگاهی در خانواده‌ی جهانی، بعید به نظر می‌رسد مدیران، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران آموزشی در وزارت آموزش و پرورش، از کارکردهای آموزشی، روان‌شناختی و پرورشی تئاتر، به مثابه هنری زنده و تأثیرگذار، آگاهی کافی نداشته باشند. با فرض چنین باوری و نیز آگاهی از علاقه آموزگاران هنر به تئاتر و روش‌های اجرای آن در مدرسه، با دوستان نویسنده، پژوهشگر و کارشناس همکار این ویژه‌نامه هم‌رای شدیم که کمتر به بحث‌های کلی در خصوص ضرورت، اهمیت و ارزش‌های تربیتی، آموزشی و اخلاقی هنر تئاتر بپردازیم و رویکردمان در نگارش مقاله و نمایش‌نامه، بیشتر کاربردی و راهبردی باشد.

البته هنوز هم ممکن است باشند کسانی که در مورد نقش و جایگاه تئاتر در بهبود سلامت روانی دانش‌آموزان، بهبود نظام آموزشی، رشد خلاقیت فردی و خرد اجتماعی، و مفرح کردن فضای تحصیلی، تردید داشته باشند. ما این عزیزان را برای شناخت بیشتر از نقش

تئاتر در مدرسه، به انتشارات

«سازمان فرهنگی

هنری سازمان ملل

متحد» (یونسکو)

و «انسیتو

بین‌المللی

تئاتر» (ITI) و

نیز کتاب‌های

منتشر شده

به زبان فارسی

در این زمینه،

ارجاع می‌دهیم.



● عباس جهانگیریان

نخستین گام در احیای تئاتر مدارس

تئاتر بی‌امکان

پرنال جامع علوم انسانی

امکانات و ظرفیت‌های موجود

پیش از آن که به موضوع اصلی یعنی «تئاتر بی‌امکان» برسیم، یادآور می‌شوم که همه‌ساله مطالب زیادی، هم در سایت و هم توسط انتشارات «انجمن بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان (استج)»، در ارتباط با موضوع تئاتر کودک و نوجوان و تئاتر دانش‌آموزی، همراه با راهکارها و روش‌های اجرایی منتشر می‌شوند، اما متأسفانه هیچ کوششی برای جمع‌آوری و ترجمه‌ی این آثار توسط نهادهای مسئول، صورت نمی‌گیرد. از آن‌جا که بخشی از این مقاله‌ها، محصول تجربه‌ی عملی مربیان و آموزگاران هنر در مدارس جهان است، انتقال این تجربه‌ها به معلمان هنر در این‌سو، می‌تواند آموزگاران ما را در گذر از آموزش رسمی و کم‌تنوع به آموزش خلاق و مفرح، یاری کند.

امکانات خوبی در نهادهای بین‌المللی وجود دارند که در صورت تشکیل کمیته یا نهاد تئاتر در آموزش و پرورش، می‌توان بی‌هیچ هزینه‌ای از آن‌ها به نفع دانش‌آموزان ایرانی استفاده کرد. در داخل کشور نیز امکانات و ظرفیت‌هایی وجود دارند که آموزش و پرورش به‌رایگان می‌تواند از آن‌ها استفاده کند. بخش تئاتر «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» (که خود از زیرمجموعه‌های وزارت آموزش و پرورش است)، «دفتر کودک و نوجوان» مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، «مرکز هنرهای نمایشی» شهرداری تهران، «حوزه‌ی هنری و انجمن تئاتر کودک و نوجوان» خانه‌ی تئاتر، بارها برای همکاری با وزارت آموزش و پرورش،

در راه‌اندازی سازمان تئاتر مدارس، یا اداره‌ی کل فعالیت‌های تئاتری، اعلام آمادگی کرده‌اند. تشکیل چنین نهادی، ظاهراً نباید هزینه‌ی زیادی روی دست وزارت آموزش و پرورش بگذارد. در ابتدا حتی می‌توان صرفاً به وجود نهادی که متولی فعالیت‌های تئاتری در مدارس باشد، بسنده کرد؛ نهادی که بتواند امکانات موجود داخلی

و بین‌المللی را جذب آموزش و پرورش کند و بر فعالیت‌های خودجوش در مدارس، نظارت هنری و حمایتی داشته باشد.

گسترش فعالیت‌های تئاتری در مدارس، ضمن بهره‌مندی آموزش و پرورش از کارکردهای آموزشی و پرورشی آن، به رشد و توسعه‌ی تئاتر کشور، در سطح حرفه‌ای و ملی کمک می‌کند.

ضرورت شناخت و پرورش

استعدادها ما اصولاً خیلی دیر استعدادها هنری، ورزشی و علمی را در مدارس مان کشف می‌کنیم. این زمان تأخیر در شناخت استعدادها، در واقع وقفه‌ای است که در روند رشد و شکوفایی این سرمایه‌های انسانی اتفاق می‌افتد. کشف و ایجاد فرصت و بستر مناسب برای رشد و بالندگی این استعدادها که عمدتاً هم در دوره‌ی راهنمایی تحصیلی بروز می‌یابند، می‌تواند سن حضور حرفه‌ای را در سه عرصه‌ی فوق، یعنی هنر، ورزش و علم، پایین بیاورد.

✓ امکانات خوبی در نهادهای بین‌المللی وجود دارند که در صورت تشکیل کمیته یا نهاد تئاتر در آموزش و پرورش، می‌توان بی‌هیچ هزینه‌ای از آن‌ها به نفع دانش‌آموزان ایرانی استفاده کرد

✓ در شرایط کنونی، ملاک ورود دانشجو به دانشکده‌های تئاتری، محفوظات داوطلب است. چنین امتیاز و معیاری هرگز نمی‌تواند، صندلی‌های دانشگاه را از هنرمندان آینده پر کند

افزون بر این، رشد و پرورش استعداد‌های تئاتری در مدارس، کیفیت آموزش عالی را نیز در سطح کشور ارتقا می‌بخشد. در شرایط کنونی، ملاک ورود دانشجو به دانشکده‌های تئاتری، محفوظات داوطلب است. چنین امتیاز و معیاری هرگز نمی‌تواند، صندلی‌های دانشگاه را از هنرمندان آینده پر کند. در حالی که وجود جریان‌های تئاتری در مدارس، می‌تواند زمینه‌ی مناسبی را فراهم کند تا آموزش عالی، ملاک ورود متقاضیان به دانشکده‌های تئاتری را استعداد، توانایی، سوابق تئاتری و جوایز دانش‌آموز در این زمینه قرار دهد. در صورت به‌وجود آمدن چنین شرایطی، فرصتی فراهم می‌شود تا فعالان تئاتر در مدارس کشور، برای تعالی بخشیدن به تجربه‌ها و اندوخته‌های خود وارد دانشگاه‌ها بشوند.

در وضعیت کنونی، تنها ۱۰ تا ۱۵ درصد از دانش‌آموختگان تئاتر وارد فعالیت‌های حرفه‌ای تئاتر می‌شوند. بقیه تنها به دریافت یک مدرک دانشگاهی بسنده می‌کنند! در شرایطی که ما ۱۳ دانشکده و مؤسسه‌ی آموزش عالی در رشته‌ی تئاتر داریم (بیشترین تعداد در خاورمیانه و آسیا)، نباید بازده و محصول آموزش دانشگاهی‌مان چنین اندک و ناچیز باشد. حتی اگر به کارشناس تئاتر هم بسنده کنیم، اکثریت این دانش‌آموختگان، فاقد توانایی و مهارت لازم در مقام کارشناس تئاتر خواهند بود.

راه چاره

خیل فارغ‌التحصیلان و به قولی کارشناسان که همه‌ساله بر تعدادشان

هم افزوده می‌شود، هیچ کمکی به توسعه‌ی تئاتر در کشور ما نمی‌کنند. تنها راه چاره برای برون‌رفت از بحران موجود، ایجاد پیوندی ارگانیک میان آموزش و پرورش و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است. گسترش هنرستان‌های هنرهای نمایشی نیز می‌تواند فرصت مناسبی برای جذب استعداد‌های تئاتری در مدارس فراهم آورد.

بخشی از این دانش‌آموختگان دانشگاه را می‌توان به‌عنوان مربی تئاتر در آموزش و پرورش به خدمت گرفت. هر منطقه‌ی آموزش و پرورش می‌تواند حداکثر با ۱۰ مربی، فعالیت‌های تئاتری را در مدارس احیا کند. با حذف درس خوش‌نویسی از زنگ هنر، می‌توان فضایی را برای دانش‌آموزان علاقه‌مند به تئاتر باز کرد. خوش‌نویسی هنری فردی است و دانش‌آموز اگر علاقه‌مند باشد، خود می‌تواند با حضور در کلاس‌های خوش‌نویسی و زیر نظر استادان واقعی، به آموزش این هنر بپردازد. آموزش ناقص کنونی که عمدتاً توسط معلمان ناآشنا با خوش‌نویسی تدریس می‌شود، جز ترویج بدخطی و بدنویسی دستاوردی برای دانش‌آموزان نداشته است.

اگر از آمال و آرزوهایمان صرف‌نظر کنیم و با توجه به بضاعت موجود بخواهیم برنامه‌ریزی کنیم، تنها یک راه پیش‌رو داریم و آن تکیه بر «تئاتر بی‌امکان»، در کلاس درس و فضاهای خالی مدارس است؛ تکیه بر انسان به جای امکان؛ تکیه بر قابلیت‌های درونی دانش‌آموزان به جای امکانات بیرونی. تئاتر بی‌امکان را با این هدف طرح می‌کنیم که نبود سالن نمایش و

امکانات اجرایی مثل مربی تئاتر، گرمور، نورپرداز، طراح لباس، طراح دکور، نمایش‌نامه‌نویس، بازیگر و کارگردان را بهانه‌ای برای کار نکردن و بی‌اعتنایی به تئاتر قرار ندهیم.

شاید یکی از دلایل غیبت تئاتر در فضاهای آموزشی ما، همین ذهنیت بازدارنده باشد که بدون امکانات نمی‌توان کار کرد! همین نگاه سنتی، کلاسیک و سخت‌گیرانه به تئاتر، میلیون‌ها دانش‌آموز را در کشور ما از تئاتر و دستاوردهای ارزشمند آن محروم کرده است. در این نوشتار، به اجمال امکان‌های بالقوه‌ی انسانی و فیزیکی موجود در مدارس را مورد بررسی قرار می‌دهیم. در هر واحد آموزشی و مدرسه، از فضاهایی به شرح زیر می‌توان برای اجرای تئاتر استفاده کرد:

۱. سالن نمایش (یا سالن اجتماع و امتحان)

بسیاری از مدارس، سالن نمایش یا سالن معروف به اجتماعات و امتحانات ندارند، اما گاه در مناطقی، برخی مدارس از چنین نعمتی برخوردارند. یکی از راه‌های فعال کردن این سالن‌ها، عمومی کردن آن‌هاست. به این صورت که هم می‌توان با قرار دادن این سالن‌ها در اختیار گروه‌های حرفه‌ای (با اولویت گروه‌های دانش‌آموزی)، تئاتر را در یک منطقه رواج داد و هم برای گروه‌های تئاتر مدارس فاقد سالن، این فرصت را فراهم آورد که از امکانات سالن مدارس هم‌جوار و همسایه استفاده کنند.

۲. فضاهای خالی در حیاط یا

راهروها و کلاس‌های بزرگ
نمایش‌های میدانی یا خیابانی،

هیچ نیازی به امکانات معمول تئاتری ندارند. این نمایش‌ها که در همه‌جای دنیا رواج دارند، در پارک‌ها، میدان‌ها، سالن‌های مترو، حیاط مدرسه‌ها و هر جا مردم زندگی می‌کنند، به اجرا درمی‌آیند. کافی است بچه‌ها کار خود را در گوشه‌ای از مدرسه شروع کنند، آن‌گاه خواهیم دید که به سرعت، یک حلقه‌ی انسانی، مشتاقانه آن‌ها را احاطه خواهد کرد. اگر سخت نگیریم، هر روز می‌توانیم در کلاس، حیاط، سالن و دیگر فضاهای موجود در مدرسه، تئاتری تماشا کنیم. گاه دیده‌ایم که معرکه‌گیرها با چند صلوات، مردم را به دور خود جمع می‌کنند.

تنها یک قرارداد کافی است

برخی تصور می‌کنند برای اجرای یک نمایش، اگر شخصیت‌های نمایش حیوان باشند، حتماً باید کسی که نقش حیوان را بازی می‌کند، در جامه و شکل و شمایل آن حیوان روی صحنه ظاهر شود. حال آن‌که چنین نیست. تئاتر، امری قراردادی است. به‌عنوان نمونه، نمایش تعزیه را در نظر بگیرید. سراسر تعزیه قرارداد است؛ قراردادی میان تعزیه‌خوان و تماشاگر. مثلاً یک پارچه‌ی دراز آبی‌رنگی را پهن می‌کنند روی زمین و کنار آن می‌نشینند و وضو می‌گیرند. تماشاگر تعزیه در هر جای ایران، می‌داند که رود فرات در عراق است، اما این نوار پارچه‌ای آبی‌رنگ را به‌عنوان رود فرات از تعزیه‌گردان می‌پذیرد.

در نمایش‌های مدرسه، ما با توجه به رشد فکری دانش‌آموزان، به حقیقت‌نمایی‌های کلاسیک نیازی نداریم. برای این‌که تماشاگر در یک نمایش

با شخصیت‌های حیوانی، بداند کی گرگ است، کی بره، کی خروس، کی اسب یا هر حیوان دیگر، یک نشانه‌ی ساده از آن حیوان برای معرفی نقش کافی است. حتی یک نقاب ساده که خود بچه‌ها نقاشی کنند

و با کش روی سر و صورت خود ببندند و یا با نوشته‌ای بر خود، هویت و نقش آن‌ها را معرفی می‌کند.

به یاد می‌آورم که در دوره‌ی دبیرستان، دبیر

شیمی برای این‌که ما عناصر و فرمول‌ها را بهتر به حافظه خود بسپاریم، عناصر و ترکیب‌های شیمیایی را به شخصیت تبدیل می‌کرد. این جان‌بخشی و دادن شخصیت به عناصر و پدیده‌ها، باعث می‌شد که ما هم، با آن‌ها بهتر رابطه برقرار کنیم و هم آن‌ها را ساده‌تر به حافظه خود بسپاریم. برای مثال، الکل را لالابالی، بی‌کله و گاه ملول، و اسید را جیلیز ویلیز لقب می‌داد.

جان‌بخشی به اشیا و پدیده‌ها می‌تواند مقدمه‌ای برای ورود به عرصه‌های نمایش باشد. بچه‌ها، خیلی ساده و با توجه به تخیل نیرومندی که دارند، می‌توانند در نقش اشیا، حیوانات، ابزار و وسایل ظاهر شوند و تئاتری را شکل دهند. چندان نیازی هم به متنی از پیش تهیه شده نیست. تجربه نشان داده است، زمانی که در یک کلاس، در شروع فعالیت، چند متن، توسط معلم به اجرا درمی‌آید،

کم‌کم دانش‌آموزان، خود به نوشتن نمایش‌نامه رغبت نشان می‌دهند و

✓ تئاتر بی‌امکان را با این هدف طرح می‌کنیم که نبود سالن نمایش و امکانات اجرایی مثل مربی تئاتر، گریمور، نورپرداز، طراح لباس، طراح دکور، نمایش‌نامه‌نویس، بازیگر و کارگردان را بهانه‌ای برای کار نکردن و بی‌اعتنایی به تئاتر قرار ندهیم



داستان بر دار کردن حسنک وزیر (از تاریخ بیهقی)، داستان شیر و گاو (از کلیله و دمنه)، رستم و اسفندیار (از شاهنامه)، طوطی و بازرگان (مولوی)، زاهد و پادشاه (از گلستان سعدی) شولم و شولم (از کلیله و دمنه)، زال و رودابه (از شاهنامه فردوسی) و بسیاری از متن‌های درسی در دوره‌های سه‌گانه‌ی تحصیلی، از این ویژگی برخوردارند.

پانتومیم یا نمایش ایمایی

پانتومیم ساده‌ترین روش برای اجرای تئاتر در مدرسه، به‌خصوص در کلاس درس است. با طرح سؤال‌هایی چون: من کیستم؟ من چیستم؟ من کجام؟ می‌توان پای یک‌یک دانش‌آموزان را به صحنه‌ی نمایش کشاند. یکی از راه‌های خوب و همراه با نشاط در معرفی مشاغل به دانش‌آموزان، (به‌خصوص در پایه‌های اول تا سوم ابتدایی)، استفاده از زبان بدن و زبان ایمایی است. یکی از دانش‌آموزان، بدون این که سخنی بر زبان بیاورد، با حرکات خود شغل و حرفه‌ای را معرفی می‌کند و از دیگری می‌پرسد: یا من کیستم؟

در بخشی از بازی‌های ایرانی هم ما ویژگی‌های نمایش ایمایی را مشاهده می‌کنیم؛ از جمله بازی «هر که به کاری مشغول». در این بازی، تعدادی از دانش‌آموزان دور هم حلقه می‌زنند و شخصی به نام «اوستا» وسط این دایره می‌ایستد. بچه‌های ایستاده روی خط دایره، هر کدام به کاری مشغول می‌شود؛ یکی نجاری می‌کند، یکی سلمانی، یکی رانندگی، یکی خیاطی، یکی نوازندگی و... اوستا

در جریان کار و مداومت در اجراء اصول نمایش‌نامه‌نویسی را نیز می‌آموزند.

نمونه‌های مناسب نمایش نامه

برای آغاز کار، نوشتن نمایش‌نامه براساس آن گروه از متن‌های درسی که از قابلیت لازم برای اقتباس برخوردارند، بهتر از متن‌های تألیفی جواب می‌دهد. ضمن این که بهره‌گیری از متن‌های درسی برای تألیف نمایش‌نامه و اجرا در کلاس یا مدرسه، بهترین روش برای انتقال مفاهیم و ماندگار کردن موضوع‌ها و متن‌های درسی در حافظه‌ی عمیق دانش‌آموزان است. بسیاری از متن‌های درسی دارای ظرفیت‌های مناسبی برای اقتباس، برداشت آزاد و تنظیم نمایش‌نامه‌اند. به‌عنوان نمونه، در کتاب ادبیات فارسی (۱) سال اول دبیرستان، داستان‌های شاه‌نامه، بخش‌هایی از سفرنامه‌ی ناصر خسرو و داستان‌های طوطی و بقال مولوی، خیر و شر زهرا کیا، سمک و قطران و میرعلم‌دار، می‌توانند دست‌مایه‌های خوبی برای اقتباس باشند.

هم‌چنین، در کتاب ادبیات فارسی (۳) سال سوم دبیرستان، گلدسته‌ها و فلک از جلال آل احمد، بخش‌هایی از تاریخ بیهقی، شاهنامه‌ی فردوسی، کلیله و دمنه، و نیز آثار شکسپیر، تولستوی، تاگور و شخصیت‌هایی که به نام آن‌ها در کتاب‌های درسی برمی‌خوریم، مثل کمال‌الملک، و در کتاب ادبیات فارسی (۲) رشته‌ی ادبیات، داستان‌های بازرگان و طرار (از کتاب فرج بعد از شدت). دیوار (از جمال میرصادقی)، داستان ابراهیم (از قصص الانبیاء)،

✓ دیالوگ به معنای گفت‌وگوی نمایشی است. این شیوه، هم برای کشاندن تئاتر به کلاس‌های درس، هم برای تقویت قدرت‌بیان و استعدادهای بالقوه‌ی تئاتری، روشی است مؤثر و پرکشش و نیز فرصتی است مناسب برای دور شدن از شیوه‌های مبتنی بر خطابه و آموزش یکسویه در آموزش و پرورش

✓ نمایش بداهه یا دم‌ساخت، نمایشی است که بدون متن و طرح از پیش نوشته شده یا طراحی شده، در آنی شکل می‌گیرد

دست‌های خود را به دور هم می‌چرخاند و هرگاه حرکت خود را متوقف کند و حرکت یا کاری از یکی از شرکت‌کنندگان را انجام دهد، آن شخص باید حرکت و کار خود را قطع کند و بلافاصله عمل و کار اوستا را انجام دهد. این حرکت ادامه دارد تا اوستا کار شرکت‌کننده‌ی دیگری را انجام دهد. در این صورت او به شغل خود برمی‌گردد و به کارش ادامه می‌دهد. هرکس اشتباه کند، از چرخه‌ی بازی اخراج می‌شود و سرانجام نفر آخر برنده‌ی بازی است. این بازی در سکوت کامل می‌گذرد.

در چند عنوان کتابی که تحت عنوان بازی‌های نمایشی به زبان فارسی منتشر شده‌اند، معلمان علاقه‌مند می‌توانند بازی‌هایی از این دست را ببینند و در کلاس اجرا کنند. برای این که شرکت‌کنندگان، غیر از حرکت دادن دست و پا، میمیک صورت خود را هم در معرفی خویش به کار گیرند، می‌توان حالت‌های صورت را ملاک حضور شرکت‌کنندگان قرار داد؛ مانند اخمو، خجالتی، گریان، خندان، قهر کرده، متفکر و شکمو (کسی که همه‌اش می‌خورد و می‌لمباند!)

تقلید و روایت‌های نمایشی از رویدادهای زندگی

آموزگار می‌تواند از دانش‌آموزان بخواهد، ماجرای‌ی را که خود تجربه کرده‌اند، یا شاهد آن بوده یا شنیده‌اند، به صورت نمایشی در کلاس روایت کنند و یا رفتار و گفتار کسانی را که رفتاری متفاوت و خاص دارند، تقلید کنند. در اجرای این نوع نمایش‌ها نباید از بچه‌ها انتظار کاری حرفه‌ای و

بی‌ایراد داشته باشیم. یادمان باشد که هدف، ایجاد بستر و فضایی است که دانش‌آموز بتواند چنین جسارتی را در جمع و در حضور تماشاگران به نام معلم و هم‌کلاسی، تجربه کند و قدم‌های اول را برای رفع کم‌رویی و تقویت اعتمادبه‌نفس خود بردارد.

مونولوگ یا تک‌گویی نمایشی

یکی از روش‌های دیگر تئاتر بی‌امکان، مونولوگ یا تک‌گویی نمایشی است. تک‌گویی نمایشی، همان‌طور که از عنوانش پیداست، با یک بازیگر به اجرا درمی‌آید و نوعی واگویی و با خود حرف زدن است؛ منتها با استفاده از عناصر نمایشی و با هدف نمایش برای جمع.

در این روش، یکی از دانش‌آموزان را انتخاب می‌کنیم. حسی را به او می‌دهیم و می‌گوییم حالا بقیه‌اش را خودت ادامه بده. برای مثال، قاب عکسی به او می‌دهیم (یک قاب عکس پدر بزرگ، فرضی که می‌تواند عکس پدر بزرگ، مادر بزرگ، پدر، برادر، دوست و یا یک شخصیت مشهور باشد) و از او می‌خواهیم تا با عکس حرف بزند، درد دل و گلایه‌اش را بگوید، اعتراض و انتقاد کند یا... باید او را آزاد بگذاریم تا خلاقیت‌های کلامی و بیانی خودش را بروز دهد.

✓ در نمایش‌های مدرسه، ما با توجه به رشد فکری دانش‌آموزان، به حقیقت‌نمایی‌های کلاسیک نیازی نداریم

✓ پانتومیم ساده‌ترین روش برای اجرای تئاتر در مدرسه، به خصوص در کلاس درس است

می‌توانیم این عکس فرضی را به دانش‌آموزان دیگر هم بدهیم و ببینیم کدام حسی تر و تأثیرگذارتر، مونولوگ خود را می‌سازند و بیان می‌کنند.

به جای قاب عکس، می‌توان از مخاطب‌های غایب دیگری، مثل سنگ قبر در یک گورستان فرضی، یک مجسمه و هر چیز دیگری که نشانه‌ای از یک مخاطب غایب باشد، استفاده کرد. تک‌گویی نمایشی می‌تواند به صورت یک مسابقه‌ی نمایش‌نامه‌نویسی هم در کلاس برگزار شود. به این صورت که بچه‌ها داوطلبانه بیایند مونولوگ‌های خود را بیان کنند و بهترین‌ها انتخاب شوند.

در یکی از کارگاه‌های بازیگری، به یکی از هنرجویان گفتم: «فرض می‌کنیم که تو خدای ناکرده آدم دروغ‌گویی بوده‌ای. اما اتفاقی در زندگی‌ات افتاده که سرت به سنگ خورده و از دروغ‌گویی‌های خود به خاطر مخاطرات و پیامدهای بدی که برایت داشته است، پشیمان شده‌ای. حالا ایستاده‌ای جلوی آینه و با مرور گذشته‌ی خود، به نوعی خود را محاکمه می‌کنی. طبیعتاً در چنین حالتی، این میمیک صورت توست که تمامی حالت‌های حسی و عاطفی تو را در این مرور تصویری منعکس می‌کند.

او به گونه‌ای این «تود» را به انجام رساند که هم کلاسی‌ها، تا مدتی پس از اجرا، هنوز از دنیای حسی به‌وجود آمده، بیرون نیامده بودند. در همین کلاس، ما بالغ بر ۲۰۰ اتود نمایشی با همین نوجوان‌ها کار کردیم و در روزهای آخر دوره،

کم پیش می‌آمد که کسی از پس اتودهای پیشنهادی ما برنیاید.

یکی دیگر از روش‌های خوب و تأثیرگذار برای معرفی شخصیت‌های تاریخی در کلاس، استفاده از مونولوگ به جای خواندن متن‌های توصیفی و خسته‌کننده است. هر یک از دانش‌آموزان می‌توانند به دل‌خواه یک شخصیت تاریخی را انتخاب کنند و او را به صورت مونولوگ در کلاس اجرا و معرفی کنند. برای مثال، کسی که کمال‌الملک را انتخاب می‌کند، روی سکو در پیشگاه کلاس می‌ایستد و در حالی که دارد روی بوم نقاشی می‌کند، از خود می‌گوید: «من محمد غفاری، ملقب به کمال‌الملک، در سال ۱۲۲۲ هجری شمسی در شهر کاشان به دنیا آمدم. پدرم که خود نقاشی چیره‌دست بود، مرا در ۱۵ سالگی برای تحصیل در مدرسه‌ی دارالفنون، به تهران فرستاد...»

دیالوگ

دیالوگ به معنای گفت‌وگوی نمایشی است. این شیوه، هم برای کشاندن تئاتر به کلاس‌های درس، هم برای تقویت قدرت بیان و استعدادهای بالقوه‌ی تئاتری، روشی است مؤثر و پرکشش و نیز فرصتی است مناسب برای دور شدن از شیوه‌های مبتنی بر خطابه و آموزش یکسویه در آموزش و پرورش. یکی از انتقادهایی که منتقدان به نظام آموزشی دارند، فقدان دیالوگ و گفت‌وگو در آموزش مدرسه‌ای است؛ شیوه‌ی گفت‌وگو، به ۲۵۰۰ سال پیش هم در مدارس آتن و رم رایج بود و افلاطون بر آن تأکید ورزیده است. در مدارس دینی

و حوزه‌های علمیه هم این شیوه متداول است. این روش باعث تفهیم و ماندگاری آموزه‌های درسی می‌شود.

آموزش مبتنی بر دیالوگ، نوعی مشارکت دادن دانش‌آموز در اداره‌ی کلاس است. در شرایط کنونی، دانش‌آموزان متن‌های درسی را می‌خوانند، از حفظ می‌کنند، امتحان می‌دهند و سپس اندوخته‌های ذهنی خود را به وادی فراموشی می‌سپارند! نمایش‌قادر است این آموزه‌ها را در حافظه، پایدار و ماندگار کند. برای مثال، اگر قرار باشد در درس تاریخ، بخشی از تاریخ مشروطه را از طریق صرفاً خواندن تاریخ در کتاب درسی به دانش‌آموز بیاموزیم، به سادگی می‌توانیم همین درس را در قالب نمایش، روایت کنیم. یکی از بچه‌ها به جلوی کلاس می‌آید، می‌ایستد و می‌گوید: «من احمدشاه قاجارم.» یکی دیگر از دانش‌آموزان می‌آید و می‌گوید: «من ستارخانم.» یکی دیگر در کنار آن دو می‌ایستد و می‌گوید: «من هم لیاخوف هستم، فرمانده قوای روسیه در ایران.» (این آدم‌ها را می‌توان با دیگر شخصیت‌های مثبت و منفی انقلاب مشروطه جابه‌جا کرد.)

حالا آن‌ها هر کدام ابتدا خود را معرفی می‌کنند و سپس دلایل عمل خود را (آن‌چه در تاریخ مشروطه مرتکب شده و انجام داده‌اند) به صورت تک‌گویی نمایشی یا دیالوگ، همراه با اعمال نمایشی، روایت می‌کنند. و اگر بخواهیم کار اقتباسی بکنیم، می‌توانیم به شیوه‌ی دیگری هم این واقعه‌ی تاریخی را روایت کنیم. خانی در حال تنبیه و فلک‌کردن یک دهقان است؛ دهقانی که به دلیل خشک‌سالی

نتوانسته است بهره‌ی زراعت خود را به خان قاجار بپردازد. در حین فلک کردن او، سستار خان سر می‌رسد و یک درگیری لفظی میان او و خان پیش می‌آید. این گفت‌وگو می‌تواند در بافتی دراماتیک شکل بگیرد.

نمایش بداهه یا دم‌ساخت

نمایش بداهه یا دم‌ساخت، نمایشی است که بدون متن و طرح از پیش نوشته شده یا طراحی شده، در آنی شکل می‌گیرد. به این شیوه‌ی نمایشی «نمایش خلاق» هم می‌گویند که البته من با این واژه چندان موافق نیستم. ما نمایش غیرخلاق نداریم و اولین ویژگی هنر نمایشی خلاق بودن است. از این‌رو، واژه‌ی «دم‌ساخت» علمی‌تر به نظر می‌رسد؛ نمایش‌هایی که بدون متن و در آن واحد ساخته می‌شوند.

در سینما، گاه از یک پلان، در چندین برداشت فیلم‌برداری می‌کنند. کلاکت که باز می‌شود، کارگردان یا دستیار یا منشی‌صحنه می‌گوید: «برداشت یک، از پلان یک.» این پلان را گاه کارگردان نمی‌پسندد و مجبور می‌شوند دوباره بگیرند: «برداشت دو، از پلان یک.» این برداشتها گاه تا ده بار هم ممکن است تکرار شود. در پایان فیلم‌برداری، خود کارگردان یا تدوینگر، پشت میز تدوین از میان این ده برداشت، یکی را که از همه بهتر است انتخاب می‌کند و بقیه را دور می‌ریزد. هنر تدوین، یعنی هنر گزینش بهترین پلان‌ها و زیباشناسی چینش، بند و بست و تدوین این پلان‌ها در کنار هم. در تمرین‌ها و اتودهای نمایشی

در کلاس، معلم می‌تواند قالبی را به بچه‌ها بدهد و از آن‌ها بخواهد به تناسب خلاقیت خود قالب را پر کنند. قالب مذکور می‌تواند چنین باشد: ناظمی یا مدیری در دفتر کارش نشسته است. دانش‌آموزی در می‌زند و می‌خواهد موضوعی

را با او در میان بگذارد.

این موضوع می‌تواند رازی را بگشاید، می‌تواند گرهی را در

کار مدرسه، ناظم، معلم یا دانش‌آموز بیندازد، یا می‌تواند ماجرای را کشف کند. انتخاب یکی از این‌ها و تکمیل موضوع به خلاقیت دانش‌آموز بستگی دارد.

از دو دانش‌آموز که داوطلبانه اعلام آمادگی کرده‌اند، یکی می‌شود ناظم مدرسه و دیگری دانش‌آموز. دانش‌آموز پشت در دفتر مدرسه با حالت مردد (یا خوش حال، ترسیده، خجالتی) قدری می‌ایستد و بالاخره در می‌زند. ما نمی‌دانیم او به ناظم چه خواهد گفت و ناظم چه واکنشی نشان خواهد داد. این دانش‌آموز است که باید به‌صورت بداهه، داستانی در ذهن خود سرهم کند و به ناظم بازگوید.

این برداشت که انجام شد، دو دانش‌آموز دیگر می‌توانند بیایند و برداشت دوم را در همین قالب اجرا کنند. در پایان، برداشتی که بیشترین امتیاز را از سوی دانش‌آموزان کلاس آورده، به‌عنوان برداشت برتر تشویق شود. بی‌تردید در میان این چند برداشت، آن‌که از عناصر تعلیق، کشف، ترس و دلهره برخوردار باشد، جذابیت نمایشی بیشتری خواهد داشت.

✓ اگر سخت نگیریم، هر روز می‌توانیم در کلاس، حیاط، سالن و دیگر فضاهای موجود در مدرسه، تئاتری تماشا کنیم

